

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانونه یار
آیینہ دادرسی کیفری
(مہذبہ ۱۴/۱۴/۹۴)

تدوین: گروہ علمی مؤسسہ آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۷



● عنوان و نام پدیدآور

- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست‌نویسی
- یادداشت
- یادداشت
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



- نام کتاب
- ناشر
- تدوین
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

قانون یار آیین دادرسی کیفری [مصوب ۹۲/۱۲/۴]
 مولف گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
 تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
 ۶۸۷ ص.
 ۹-۴۱۰-۰۰۶-۶۰۰-۹۷۸
 فیبا
 چاپ سیزدهم.
 چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۴ (۶۴۰ ص.).
 آیین دادرسی جزایی - ایران - راهنمای آموزشی (عالی)
 آیین دادرسی جزایی - ایران - آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
 مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
 ب ۱۳۹۴ / ق ۴۶۱۰ / KMH
 ۳۴۵/۵۵۰۵
 ۳۸۸۲۴۵۴

قانون یار آیین دادرسی کیفری (مصوب ۹۲/۱۲/۴)
 چتر دانش
 گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
 بیست و نهم - ۱۳۹۷
 ۲۰۰۰
 ۹-۴۱۰-۰۰۶-۶۰۰-۹۷۸
 ۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

۶	قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۶	بخش اول: کلیات
۶	فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن
۱۴	فصل دوم: دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی
۳۷	بخش دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۳۷	فصل اول: دادسرا و حدود صلاحیت آن
۴۲	فصل دوم: ضابطان دادگستری و تکالیف آنان
۷۴	فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان
۹۷	فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس
۹۷	مبحث اول: اختیارات بازپرس و حدود آن
۱۲۳	مبحث دوم: صلاحیت بازپرس
۱۳۰	فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی
۱۶۵	فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان
۱۶۵	مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم
۱۹۶	مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان
۲۰۵	فصل هفتم: قرارهای تأمین و نظارت قضایی
۲۴۷	فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات
۲۶۹	فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان
۲۷۲	فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور
۲۷۷	بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی
۲۷۷	فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری
۳۰۹	فصل دوم: رسیدگی به ادله‌ی اثبات
۳۱۸	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری
۳۱۸	مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی
۳۳۸	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۳۴۸	مبحث سوم: صدور رأی
۳۵۴	فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک
۳۵۴	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۳۶۴	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۳۷۰	مبحث سوم: صدور رأی
۳۷۲	فصل پنجم: رأی غیابی و واخواهی
۳۷۶	فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۳۷۶	مبحث اول: تشکیلات
۳۷۹	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۳۸۵	فصل هفتم: احاله
۳۹۰	فصل هشتم: رد دادرسی
۳۹۵	بخش چهارم: اعتراض به آراء
۳۹۵	فصل اول: کلیات

۴۱۴	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۴۲۶	فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور
۴۳۶	فصل چهارم: اعاده‌ی دادرسی
۴۵۰	بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی
۴۵۰	فصل اول: کلیات
۴۶۸	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۴۷۹	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۴۸۷	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
۴۹۰	مواد ۴۱۷ الی ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
	فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی
۵۰۶	
۵۱۳	بخش ششم: هزینه‌ی دادرسی
۵۱۹	بخش هفتم: سایر مقررات
۵۲۲	بخش هشتم: آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح
۵۲۲	قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳
۵۲۲	فصل اول: کلیات
۵۳۰	فصل دوم: تشکیلات دادسرا و دادگاه‌های نظامی
۵۴۸	فصل سوم: صلاحیت
۵۵۶	فصل چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۵۷۰	مبحث دوم: کارشناسی
۵۷۱	مبحث سوم: احضار
۵۷۶	مبحث چهارم: قرار بازداشت موقت
۵۸۰	مبحث پنجم: مرور زمان
۵۸۷	فصل پنجم: وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی
۵۹۰	فصل ششم: ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی
۵۹۶	فصل هفتم: تجدیدنظر و اعاده‌ی دادرسی
۶۰۳	فصل هشتم: اجرای احکام
۶۰۹	فصل نهم: زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی
۶۱۳	بخش نهم: دادرسی الکترونیکی
۶۲۷	بخش دهم: آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای
۶۵۱	بخش یازدهم: آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی
۶۶۱	بخش دوازدهم: سایر مقررات
۶۶۳	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳
۶۶۹	سؤالات آزمون وکالت ۹۵
۶۷۴	پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۹۵
۶۷۸	سؤالات آزمون وکالت ۹۶
۶۸۳	پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۹۶

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴

بخش اول: کلیات

فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

نکته ۱: آیین دادرسی کیفری یکی از رشته‌های مهم علوم جنایی است که به مطالعه‌ی سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و نحوه‌ی رسیدگی آنها می‌پردازد.

نکته ۲: قانون‌گذار در این ماده برخلاف ماده‌ی ۱ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸، به‌صورت کاملاً درستی به تعقیب متهمین اشاره کرده است. زیرا ما در امر تعقیب، با فردی که متهم به ارتکاب جرم است، یعنی شخصی که ادعاشده جرمی را مرتکب گردیده، روبرو هستیم و هدف از رسیدگی‌های کیفری نیز، تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم است و تنها، پس از اعلام مجرمیت به واسطه‌ی حکم قطعی دادگاه است که می‌توان عنوان مجرم را بر شخص مرتکب جرم، اطلاق نمود. از این رو، اطلاق عنوان مجرم (در قانون سابق به تعقیب مجرمین اشاره شده بود) به فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و تا اثبات مجرمیت وی در دادگاه، بی‌گناه فرض می‌شود، پسندیده نیست.

نکته ۳: از نوآوری‌های این ماده در تعریف آیین دادرسی کیفری، برخلاف ماده‌ی ۱ قانون سابق، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱- میانجی‌گری ۲- صلح میان طرفین ۳- تعیین وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری ۴- رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه

نکته ۴: صلاحیت مراجع کیفری و ادله‌ی اثبات اتهام، از موضوعات مهم مورد بحث در آیین دادرسی کیفری است که در این ماده به آن‌ها اشاره نشده است.

سؤال ۱- به کدام‌یک از موارد زیر در تعریف آیین دادرسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، اشاره نشده است؟

الف) تعقیب متهمان

ب) تعیین وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری

ج) تعیین مراجع صلاحیت دار

د) هر سه مورد در تعریف آیین دادرسی کیفری ذکر شده است.

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه ج صحیح است. همان طور که در نکات گذشته نیز اشاره شد، قانونگذار با توجه به اهمیتی که تعیین مراجع صلاحیت دار در مباحث آیین دادرسی کیفری دارد، به این امر در تعریف آیین دادرسی کیفری اشاره نکرده است.

ماده ۲- دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

نکته ۱: منظور از مستند به قانون بودن دادرسی کیفری، اصل قانونی بودن رسیدگی و مستند به قانون بودن احکام دادگاه و سایر مراحل رسیدگی کیفری است که هم در قانون اساسی و هم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است.

نکته ۲: قانون‌گذار، به قانونی بودن آیین دادرسی در ماده‌ی ۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً اشاره نموده است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی باید از طریق دادگاه صالح به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

نکته ۳: آیین دادرسی کیفری، دو هدف را دنبال می‌کند: یکی اعاده‌ی نظم مختل شده به وسیله‌ی جرم ارتكابی و دیگری حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد. این دو هدف، هر دو واجد اهمیت هستند و ایجاد تعادل میان آن دو، هدف واحدی است که آیین دادرسی کیفری به دنبال آن است. به عبارت دیگر، از یک طرف نباید به نام تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی حقوق دفاعی متهم نادیده گرفته شود و از طرف دیگر نباید به عنوان حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی، از حفظ نظم عمومی غفلت ورزید. به همین دلیل در کشورهایی که حقوق و آزادی‌های فردی در آنجا اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد آیین دادرسی کیفری نیز از موقعیت ممتازی برخوردار بوده و مقررات کاملی برای حفظ حقوق متهم در مراحل مختلف رسیدگی پیش‌بینی شده است. اشاره‌ی این ماده به تضمین حقوق طرفین دعوی نیز، در همین راستاست.

نکته ۴: عبارت اخیر این ماده، نمودی از اصل تساوی افراد در برابر قانون است.

۱- این عبارت در ماده ۲ ق.آ.د.ک جدید، بیانگر کدام یک از موارد زیر است: «..... قواعد دادرسی کیفری باید نسبت به اشخاصی که به سبب جرایم مشابه در شرایط مساوی تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»؟

- الف) اصل قانونی بودن رسیدگی‌های کیفری (ب) اصل تساوی افراد در برابر قانون
ج) اصل تفسیر مضیق به نفع متهم (د) هیچ یک

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه ب صحیح است.

ماده ۳- مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

نکته ۱: بی‌طرفی (عدم وابستگی به طرفین دعوا)، استقلال (بی‌طرفی و استقلال قاضی دادگاه) و رسیدگی به اتهام در کوتاه‌ترین مهلت ممکن از ویژگی‌های یک دادرسی منصفانه است.

نکته ۲: در نظام دادرسی کیفری ایران، هم در قانون جدید و هم در قانون سابق، اصل بی‌طرفی مقام قضایی، مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. به این ترتیب که به منظور تضمین بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه شبهه‌ی جانبداری از یکی از طرفین دعوی کیفری، قاضی‌ای که پرونده به او ارجاع شده، در موارد رد دادرسی باید از رسیدگی به پرونده خودداری ورزیده، امر رسیدگی را به قاضی دیگری واگذار نماید.

نکته ۳: علاوه بر موارد رد دادرسی که در ق.آ.د.ک جدید به آن‌ها اشاره شده است، این ماده صراحتاً به بی‌طرفی و استقلال کامل قاضی دادگاه اشاره نموده است.

نکته ۴: اطاله‌ی دادرسی یکی از معضلاتی است که نظام قضایی ایران چند سالی است گرفتار آن است و از همین روست که قانون‌گذار در این ماده، قضات را مکلف به رسیدگی به پرونده، در کوتاه‌ترین مهلت ممکن کرده و آن‌ها را از هر اقدامی که باعث طولانی شدن فرایند دادرسی می‌شود، منع نموده است.

سؤال ۱- اصل بی‌طرفی مقام قضایی:

(الف) صراحتاً در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش‌بینی شده است.

(ب) صراحتاً در قانون مجازات اسلامی جدید پیش‌بینی شده است.

(ج) صراحتاً در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش‌بینی نشده است.

(د) موارد الف و ب

پاسخنامه سؤال ۱: گزینه الف صحیح است. مستند به ماده ۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۴- اصل، براءت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

نکته ۱: اصل براءت، یکی از اصول تضمین کننده‌ی حقوق و آزادی‌های فردی است که مطابق آن، هرکس بی‌گناه فرض می‌شود، مگر اینکه ارتکاب او به جرم به اثبات برسد. در جریان رسیدگی‌های کیفری، متهم نیز، از این حق برخوردار است که بی‌گناه فرض شود تا آنکه ارتکاب جرم منتسب به او، به موجب حکم قطعی دادگاه ثابت شود. با رعایت این اصل، کرامت انسانی متهم رعایت می‌گردد و وی می‌تواند تا

آخرین لحظه‌ی قطعی شدن حکم محکومیت خود، از تمامی امکانات دفاعی موجود بهره گیرد.
نکته ۲: بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که به امضای دولت و تصویب مجلس ایران نیز رسیده و طبق ماده ۹ قانون مدنی، در حکم قانون بوده و در دادگاه‌ها نیز لازم الاجراست، درخصوص اصل برائت چنین مقرر می‌دارد: هرکس متهم به جرمی شود، تا زمانی که بزهکاری او مطابق قانون به اثبات برسد، بی‌گناه فرض می‌شود.

هم‌چنین اصل ۳۷ قانون اساسی کشورمان، بیانگر اصل برائت است که مقرر می‌دارد: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانونی مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.
 بند ۲ ماده واحده قانون حقوق شهروندی نیز تأکید می‌کند که: تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستند و مستدل به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبود قانون)، قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

نکته ۳: پذیرش اصل برائت، آثاری دارد که مراجع قضایی ملزم به رعایت آن هستند. این آثار عبارتند از:

۱- مسئولیت ارائه‌ی دلیل مجرمیت متهم برعهده‌ی دادستان است که در دعوای عمومی، طرف اصلی متهم محسوب می‌شود. اما اثر نخست اصل برائت که منجر به لزوم اثبات مجرمیت متهم توسط مرجع تعقیب‌کننده می‌شود، این نتیجه را در پی دارد که پس از اثبات این امر، در صورت ادعای وجود یک عامل توجیه‌کننده، نظیر دفاع مشروع یا هر عامل دیگری که سبب سلب مسئولیت کیفری یا مجازات از متهم شود، نوبت به متهم می‌رسد که وجود چنین عاملی را اثبات نماید و این، مقتضای همان قاعده‌ی عمومی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» است.

۲- چون اصل بر بی‌گناهی متهم است، وی مجبور به اثبات بی‌گناهی خود نیست؛ چرا که اصل، نیاز به اثبات ندارد.

۳- برای اثبات گناهکاری متهم، وی مجبور به اعتراف به ارتکاب عملی که به او نسبت داده می‌شود، نیست.

۴- متهم نباید برای اعتراف به جرم، تحت شکنجه قرار گیرد.

۵- در موارد تردید در حکم قانون یا در موضوع آن، باید تفسیر شک، به نفع متهم کرد و به اصل برائت پایبند بود چرا که اصل بر برائت است و خروج از اصل، نیازمند دلیل است نه بقاء بر اصل.

۶- آزادی فوری متهم پس از صدور حکم برائت وی از سوی دادگاه، حتی قبل از قطعیت حکم، یکی دیگر از آثار اصل برائت است.

سؤال ۱- اصل برائت در کدام یک از قوانین زیر پیش‌بینی شده است؟

(الف) قانون اساسی

(ب) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

(ج) ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی

(د) هر سه مورد

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه د صحیح است. اصل برائت علاوه بر اینکه در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، صراحتاً در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و قانون آیین دادرسی کیفری جدید، نیز پیش‌بینی شده است. به‌علاوه بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب مجلس ایران نیز رسیده است، اصل برائت را صراحتاً مورد پذیرش قرار داده است.

ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

نکته ۱: این ماده بیانگر اصل توافعی بودن رسیدگی‌های کیفری به‌عنوان یکی از ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی است. بر مبنای این اصل، دادرسی با حضور طرفین دعوا انجام می‌گیرد. شاکی و مشتکی‌عنه، از ادله‌ی و مدافعات یکدیگر آگاه‌شده و هرگاه اعتراضی داشته باشند، اعلام می‌نمایند تا زوایای پنهان موضوع متنازع فیه در دادگاه روشن شود. به‌موجب این اصل باید به طرفین دعوا و وکلای آنان فرصت و امکان کافی برای تدارک دفاع داده شود.

نکته ۲: با توجه به مفهوم این ماده، شاکی باید کلیه‌ی ادله‌ی موجود علیه متهم را تا جلسه‌ی دادرسی ارائه کند.

سؤال ۱- ماده ۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته که: متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله‌ی اتهام انتسابی آگاه گردد. این امر بیانگر کدام‌یک از موارد زیر است؟

- (الف) علنی بودن رسیدگی
(ب) توافعی بودن رسیدگی
(ج) غیرتوافعی بودن رسیدگی
(د) غیرعلنی بودن رسیدگی

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه ب صحیح است. آگاهی متهم از ادله‌ی اتهام انتسابی، نشانگر پذیرش توافعی بودن رسیدگی از سوی مقنن ایران است و این امر تا حدودی ویژگی تفتیشی بودن مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی را در نظام دادرسی کیفری ایران تعدیل نموده است.

ماده ۶- متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

نکته ۱: یکی از معیارهای دادرسی منصفانه و عادلانه که در اسناد حقوق بشری به آن تأکید شده است، برخورداری متهم از حقوق خود در فرایند دادرسی و لزوم آگاه کردن متهم در مورد داشتن این حقوق است.

نکته ۲: لزوم آگاهی یافتن بزه‌دیده از حقوق خود در فرایند دادرسی کیفری، نشانگر توجه بزه‌دیده شناسانه قانون‌گذار به شخص بزه‌دیده است؛ به‌عبارت‌دیگر، آگاهی‌یافتن بزه‌دیده از حقوق خود در فرایند دادرسی از ره‌آوردهای بزه‌دیده‌شناسی به منزله‌ی یکی از علوم جنایی تجربی است.

نکته ۳: به نظر می‌رسد مقصود از سایر افراد ذی‌ربط در فرایند دادرسی، مطلع و خانواده‌ی آن‌ها و خانواده‌ی افراد مذکور در این ماده است.

سؤال ۱- آگاه کردن متهم از حقوق خود در فرایند دادرسی کیفری:

(الف) از اختیارات مقام قضایی است.

(ب) تکلیف مقام قضایی است.

(ج) از اختیارات ضابطین دادگستری است.

(د) در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به سکوت برگزارشده است.

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه ب صحیح است. با توجه به وجود لفظ «باید» در متن ماده ۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، آگاه کردن متهم از حقوق خود در فرایند دادرسی کیفری، از تکالیف مقام قضایی اعم از قضات دادسرا و دادگاه است.

ماده ۷- در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

نکته ۱: قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در جلسه‌ی علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

نکته ۲: رعایت حقوق مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تکلیف کلیه‌ی محاکم عمومی، انقلاب، نظامی و دادسراها و ضابطان دادگستری است. این تکلیف، هم به‌موجب صدر ماده واحده‌ی قانون مذکور و هم، ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، برعهده‌ی نهادهای مذکور گذاشته شده است.

نکته ۳: حقوق شهروندی افراد در فرایند دادرسی کیفری، در قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی در ۱۵ بند به شرح زیر ذکر شده است:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضائی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه علایق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت

- نبود قانون)، قطعی نگردیده، اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار شود.
- ۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آن‌ها فراهم کنند.
- ۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع، وکلا در اجرای وظیفه‌ی محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.
- ۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد، ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز، به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع قضایی ارسال شود و خانواده‌ی دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.
- ۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد، نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد.
- ۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون، خودداری ورزند.
- ۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.
- ۹- هرگونه شکنجه‌ی متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.
- ۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.
- ۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته‌ی افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی، احتراز گردد.
- ۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد درصورت تمایل خودشان، مطالب خود را بنویسند تا شبهه‌ی تحریف یا الفا، ایجاد نگردد.
- ۱۳- محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به‌موجب قوانین خاص، وظایف آن‌ها را انجام می‌دهند و نحوه‌ی رفتار مأمورین و متصدیان مربوط به متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها، نسبت به اموال و اشیاء، تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت آن‌ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده‌ی شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه‌ی قضائیه موظف است هیأتی را به‌منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه‌ی دستگاه‌هایی که به‌نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده‌ی تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه‌ی اقدامات خود را به رئیس قوه‌ی قضائیه گزارش نماید.

نکته ۴: باید توجه داشت که رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از مرحله‌ی کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور و اجرای حکم، الزامی است و نه صرفاً در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی.

نکته ۵: مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که به‌عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع ذکر شده است، عبارت است از انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال.

سؤال ۱- رعایت حقوق شهروندی مذکور در قانون، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در چه مرحله‌ی‌ای از دادرسی کیفری الزامی است؟

الف) مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی (ب) مرحله‌ی رسیدگی و صدور حکم

ج) مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و صدور حکم (د) تمام مراحل دادرسی کیفری

سؤال ۲- در جریان قرار دادن خانواده‌ی دستگیرشدگان، در نظام حقوقی ایران:

الف) تکلیفی است که قانون اساسی برعهده‌ی ضابطان قرار داده است.

ب) تکلیفی است که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، برعهده‌ی ضابطان قرار داده است.

ج) تکلیفی است که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برعهده‌ی ضابطان قرار داده است.

د) پیش‌بینی نشده است.

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه د صحیح است. مستند به ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

سؤال ۲: گزینه ج صحیح است. درست است که در جریان قرار دادن خانواده دستگیر شدگان در اصل در قانون احترام به آزادی‌های مشروع پیش‌بینی شده است ولی با توجه به ماده ۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ این تکلیف در قانون جدید نیز پیش‌بینی شده است.

فصل دوم: دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی

ماده ۸- محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

- الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی
ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

نکته ۱: اینکه صدر ماده ۸ مقرر داشته که محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است، بیانگر این امر است که تا جرمی واقع نشود، مجازاتی اعمال نخواهد شد. ولی باید توجه داشت که صرف ارتکاب جرم برای محکومیت به کیفر کافی نیست، بلکه علاوه بر ارتکاب جرم، شخص باید دارای اهلیت جزایی باشد تا بتوان مجازات را بر وی اعمال نمود.

نکته ۲: در گذشته‌های دور و در دوران دادگستری خصوصی در اغلب موارد، زیان وارد به جامعه از خسارتی که متوجه مجنی‌علیه می‌گردید، قابل تفکیک نبود و به همین دلیل نیز، دو دعاوی عمومی و خصوصی و به تبع آن‌ها دو روش مختلف رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری وجود نداشته است. با این حال با گذشت زمان و پیدایش دادگستری عمومی، زیان وارد بر جامعه از خسارتی که ممکن است بر اثر ارتکاب جرم به شهروندان وارد شود، جدا شد و اعلام جرم نه فقط حق مجنی‌علیه، بلکه تعقیب بزهکاران برعهده‌ی دولت نیز قرار گرفت.

نکته ۳: با توجه به مجموعه مقررات کیفری از جمله ماده ۱۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و فلسفه‌ی کشف جرم و مجازات مجرمان، چنین استنباط می‌شود که اصل بر عمومی بودن جرم است و خصوصی بودن جرم، نیاز به تصریح دارد و از همین روست که ماده ۱۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر می‌دارد: چنانچه قابل‌گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، گذشت‌ناپذیر محسوب می‌شود، مگر اینکه حق الناس بوده و شرعاً قابل‌گذشت باشد.

نکته ۴: اصل آن است که تمامی جرایم واجد جنبه‌ی عمومی هستند و اینکه برخی جرایم به‌عنوان جرم خصوصی یا قابل‌گذشت معرفی می‌شوند به این معناست که مقنن جنبه‌ی خصوصی را بر جنبه‌ی عمومی ترجیح داده است. از همین روست که جرایم خصوصی یا قابل‌گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا ۱۳۹۲، معین گردیده‌اند.

نکته ۵: قانون‌گذار در ق.آ.د.ک سابق به اشتباه کلیه‌ی جرایم را دارای جنبه‌ی الهی دانسته بود و به همین دلیل است که قانون‌گذار در این ماده، صرفاً به حیثیت عمومی و خصوصی جرایم اشاره کرده است. علت این امر نیز، این است که بسیاری از جرایم دارای جنبه‌ی شخصی هستند و به حقوق الهی لطمه‌ای نمی‌زنند تا جنبه‌ی حق‌الهی داشته باشند مانند اهانت به دیگران. با این حال، در اصلاحیه‌ی جدید قانون‌گذار مقرر کرده که جرم دارای جنبه‌ی الهی است و این همان چیزی است که در قانون سابق نیز

پیش‌بینی شده بود که این امر همان‌طور که گفته‌شده دارای اشکال است. ولی باید توجه داشت که تفاوت با قانون سابق در این است که قانون‌گذار در قانون جدید فقط دو حیثیت برای جرم قائل شده است نه سه حیثیت.

سؤال ۱- با توجه به ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ کدام‌یک از جرایم زیر دارای جنبه‌ی حق‌اللهی است؟

- (الف) جرایم حدی
(ب) جرایم حدی و جرایم دارای جنبه‌ی عمومی
(ج) کلیه‌ی جرایم
(د) قانون جدید در این خصوص ساکت است.

پاسخنامه سؤال ۱: گزینه ج صحیح است. مستند به ماده ۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۹- ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود؛

الف- دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی
ب- دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به‌موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص

نکته ۱: جرم الزاماً واجد جنبه‌ی عمومی است اما بسیاری از جرایم علاوه بر جنبه‌ی اخیرالذکر به‌سبب خسارتی که از ارتکاب آن‌ها به افراد وارد می‌شود، واجد جنبه‌ی خصوصی نیز هستند. دعوایی که متضرر از جرم یا قائم مقام قانونی او به تبع دعوای عمومی در همان دادگاهی که عهده‌دار رسیدگی به جنبه‌ی عمومی جرم است، مطرح می‌کند، به «دعوای خصوصی» معروف است.

نکته ۲: علت اینکه قانون‌گذار گفته ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود، این است که ارتکاب جرم همواره سبب ورود خسارت به افراد نیست، جرایمی از قبیل تکدی، ولگردی، حمل سلاح غیرمجاز، استعمال نشان‌های دولتی، اصولاً جنبه‌ی عمومی دارند و از ارتکاب آن‌ها فرد یا افراد خاصی، متضرر نمی‌شوند. برعکس، طبیعت بسیاری از جرایم از قبیل سرقت، کلاهبرداری و به‌طور کلی جرایم علیه اموال، به‌گونه‌ای است که علاوه بر جامعه، معمولاً اشخاص نیز از ارتکاب آن‌ها زیان می‌بینند. علی‌هذا جرمی که دارای دو حیثیت است، می‌تواند موجب دو ادعا شود:

ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی و حدود الهی

ادعای خصوصی برای مطالبه‌ی ضرر و زیان شخصی.

سؤال ۱- با توجه به ماده ۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، کدام‌یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (الف) همه‌ی جرایم دارای جنبه‌ی عمومی هستند.
(ب) همه‌ی جرایم دارای جنبه‌ی خصوصی هستند.
(ج) ارتکاب جرم ممکن است موجب طرح دو دعوای عمومی و خصوصی شود.
(د) هر سه گزینه صحیح است.

پاسخنامه

سؤال ۱: گزینه ب صحیح است. همه جرایم دارای جنبه‌ی خصوصی نیستند و فقط برخی از جرایم ممکن است علاوه بر جنبه‌ی عمومی، دارای جنبه‌ی خصوصی باشند.

ماده ۱۰- بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

نکته ۱: دعوای خصوصی، دعوای ضرر و زیان متضرر از جرم در مقابل دادگاهی است که به امر کیفری رسیدگی می‌کند. تفکیک دعوای عمومی و خصوصی از یکدیگر و آثار مترتب بر هر یک، از ویژگی‌های جوامع پیشرفته‌ی امروزی است.

نکته ۲: قانون آیین دادرسی کیفری سابق بین شاکی خصوصی و مدعی خصوصی، تفکیک قائل نشده بود ولی قانون جدید، این تفکیک را قائل شده است. شاکی خصوصی کسی است که از وقوع جرم متضرر می‌شود. لکن صرف تقدیم شکایت به مراجع قضایی ذیربط هرچند هم در آن، جبران خسارت، تقاضاشده باشد، اصولاً مراجع کیفری را مکلف به اتخاذ تصمیم درباره‌ی ادعای ورود خسارت نمی‌کند و رسیدگی به دعوای ضرر و زیان، نیازمند تقدیم دادخواست و رعایت ضوابط قانونی ناظر به آن است. به همین دلیل این ماده بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک شده است.

سؤال ۱- ق.آ.د.ک جدید:

(الف) بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک شده است.

(ب) بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک نشده است.

(ج) بین شاکی و مدعی خصوصی، صرفاً در جرایم حق‌الناس، قائل به تفکیک شده است.

(د) بین شاکی و مدعی خصوصی، صرفاً در جرایم دارای جنبه‌ی عمومی، قائل به تفکیک شده است.

سؤال ۲- تفاوت شاکی خصوصی با مدعی خصوصی چیست؟ (ارشد سراسری ۸۱)

(الف) شاکی خصوصی همان مدعی خصوصی است.

(ب) مجنی علیه یا بزه دیده مدعی خصوصی است.

(ج) شاکی خصوصی هرگاه دادخواست ضرر و زیان تسلیم کند مدعی خصوصی است.

(د) متضرر از جرم در دادرسی های کیفری شاکی خصوصی و در دادرسی های مدنی مدعی خصوصی است.

سؤال ۳- قانوناً مدعی خصوصی کسی است که:

(الف) به تبع شکایت کیفری مطالبه‌ی ضرر و زیان کند.

(ب) بدون طرح شکایت کیفری دادخواست داده است.

(ج) تنها شکایت کیفری مطرح نموده است.

(د) شخصاً در طرح شکایت ذینفع باشد.